



مرشد سالکان طریق حق...

آیت الله سید علی اصغر دستغیب

به سهولت امکان پذیر نیست که انسان مقامات و مدارج معنوی مردان خدایی همچون آیت‌الله شهید حاج سید عبدالحسین دستغیب را درک نماید تا چه رسد به اینکه به زبان یا به قلم آورد، لذا در این مقاله کوتاه تنها به بحث پیرامون گوشه‌ای از آثار وجودی آن بزرگوار و نقش ارزنده‌ای که در اصلاح و تربیت نفوس ایفا نموده‌اند، اکتفا می‌کنیم.

سخن از عالم عامل و عارف کاملی است که در تعریف جامع حضرت امام، از ایشان به عنوان «معلم اخلاق و مهذب نفوس و مرشد مردم» یاد گردیده است. از همان دوران کودکی به مراقبه و تهذیب نفس و فراگیری علوم دینی اشتغال داشته و در نه سالگی با رحلت پدر بزرگوارشان نخستین آثار و علائم تأییدات الهی با اقبال و توجه قلوب اهل ایمان به سوی ایشان ظاهر گشته و

شهید دستغیب: چیزی که بنده نسبت به این شخص بزرگ (مقام معظم رهبری) فهمیده‌ام این است که فردی است خدایی، هوی پرست نیست، مقام نمی‌خواهد، قدرت نمی‌خواهد به دست بگیرد، امتحان خودش را پیش از پیروزی و بعد از پیروزی داده است، در هر پستی که بوده امتحان خودش را داده است.

پس از گذراندن دوره مقدمات و سطح جهت تکمیل تحصیلات به نجف اشرف هجرت نموده و مورد توجه و علاقه خاص اساتید بزرگ فقه و اصول و اخلاق و عرفان قرار گرفته‌اند.

آیت‌الله شهید دستغیب در مراجعت به شیراز به ارشاد مردم پرداخته و چه بسیار نفوس مستعدی که در پرتو انوار الهی و انفاس قدسیه آن بزرگوار مراحل پیمودند و تکامل یافتند. کمتر فردی از طالبان حق و سالکان الی‌الله در خطه شیراز می‌توان یافت که از محضر ایشان خصوصاً یا عموماً کسب فیض نموده باشد، چه از بیان شسیرین و دلچسب او و چه از قلم روان و پرفیض. از نخستین نمونه‌های آن: کتاب صلوه الخاشعین، و نمونه دیگر کتاب گناهان کبیره و قلب سلیم است.

قابل توجه آنکه با وجود مراتب و مقامات علمی و معنوی همواره از حضور در مجامعی که کمترین شبهه مطرح شدن وی را داشت، اجتناب می‌ورزید و از کسب شهرت به شدت برحذر بود. کسانی که از نزدیک حالات ایشان را شاهد بوده‌اند، بر مشابهت روحیه وی و امام گواهند. تنها در زمانی که احساس وظیفه و مسئولیت

می‌فرمود؛ بالاخص در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر از هیچ گونه تلاش دریغ نمی‌ورزید.

سابقه مبارزات آن بزرگوار به شیوه اجداد طاهرنش از هنگامی بود که اساس دین را با روی کار آمدن رضاخان در خطر دید، لذا در مناظر و سخنرانی‌ها مردم را از توطئه‌ها آگاه می‌نمود به‌ویژه در مورد کشف حجاب که از نخستین برنامه‌های ضد اسلامی و زمینه‌ساز نشر منکرات و مفساد در سطح جامعه و در نهایت نفوذ و سلطه هرچه بیشتر اجانب و بیگانگان بر همه شئون میهن اسلامی بود، به شدت مخالفت و اعتراض می‌فرمود.

در اواخر سال ۴۱ هنگامی که نخستین اعلامیه رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی از قم شهر قیام به دست آیت‌الله دستغیب رسید، خود شاهد بودم که چگونه آثار تصمیم و اراده در چهره معظم له آشکار گردید و در همان هنگام تا زمانی که شربت شهادت نوشید، لحظه‌ای آرام نگرفت و در یک کلام می‌توان گفت او در تمام این مدت فانی فی‌الله و ذوب در امام خمینی بود. حرکت خود را دقیقاً با کم و کیف حرکت امام تنظیم نموده، از هرگونه تندروی یا کندروی بر حذر می‌داشت و در حقیقت مفاد این جمله پر محتوای معصوم را اشعار می‌دارد که: «المتقدم لهم مارق و المتأخر عنهم زاهق و اللازم لهم لاحق».

بعضی پیشنهاداتی می‌دادند که معنایش پیشی گرفتن از امام بود و برخی محافظه‌کاری و حرکت کند را توصیه می‌نمودند، و به هیچ یک اعتنایی نمی‌فرمود. مکرر یادآور می‌شد هر کس می‌خواهد بداند هر گاه امام زمان (عج) ظهور فرمایند، نسبت به آن حضرت چه موضعی خواهند داشت، ببینید الان نسبت به نایب بر حقش امام خمینی چگونه است. خلاصه آنکه از مدافعین واقعی و جدی ولایت فقیه بود.

خودش می‌فرمود:

«هنگامی که در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی دیدم، بنی‌صدر خبیث در رابطه با ولایت فقیه که اساس نظام الهی جمهوری اسلامی است، آن هتاک‌ها را نمود برخورد واجب دانستم، به دفاع از ولایت فقیه برخیزیم و مطالبی را از تریبون مجلس بیان نمایم».

آیت‌الله شهید دستغیب به همان اندازه که نسبت به مقام امامت و رهبری تولی داشت،

نسبت به همه کسانی که خالصانه و برای خدا به امام راحل تأسی جسته و حقیقتاً پیروی می‌کردند مهر می‌ورزید و حمایت و ترویج می‌نمود. از جمله در رابطه با رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مد ظله العالی هنگامی که رئیس جمهور بودند می‌فرمود:

«چیزی که بنده نسبت به این شخص بزرگ فهمیده‌ام این است که فردی است خدایی، هوی پرست نیست، مقام نمی‌خواهد، قدرت نمی‌خواهد بدست بگیرد، امتحان خودش را پیش از پیروزی و بعد از پیروزی داده است، در هر پستی که بوده امتحان خودش را داده است، کسی که امام جمعه تهران باشد، آن وقت در جبهه‌ها برود، در سنگرها از اسلام دفاع کند. این مرد بزرگ مقامی برای خودش قائل نیست، به عین مثل رهبر عظیم الشأن. امام فرموده به من خدمتگزار بگوئید بهتر است از اینکه رهبر بگوئید. آقای خامنه‌ای هم این جوری است، مقام نمی‌خواهد، مقام بر روی او اثر نمی‌گذارد».

در جریان جنگ تحمیلی و بسیج نیروهای خالص به جبهه و تأمین امکانات و تدارکات برای رزمندگان وقتی جوان‌ها را می‌دید که از همه چیز منقطع و به خدای خود پیوسته‌اند و در حال هجرت به سوی جهاد و شهادت هستند. می‌فرمود:

«جان من به قربان این جوانان باد، معنویاتی را که ما سال‌های طولانی به دنبالش بوده‌ایم، این رزمندگان و بسیجیان عزیز در مدت کوتاهی تحصیل می‌نمایند».

بدین ترتیب طبیعی است که استکبار جهانی و مزدوران جنایتکار آن به شدت نسبت به شخصیت آیت‌الله دستغیب حساس بوده و سرانجام ایشان را همچون اجداد طاهرنش به شهادت رساندند، غافل از اینکه شهادت آن بزرگوار خط و راهش را روشن‌تر و پرپیروتر نموده و می‌نماید. ■

